

تحلیل فضایی مؤلفه‌های طراحی محیطی در پیشگیری از جرم در مناطق

روستایی (مورد مطالعه: شهرستان شهریار)

علیرضا دربان آستانه¹، مسعود انبارلو²، بهمن طهماسی³تاریخ دریافت: 1398/08/12
تاریخ پذیرش: 1398/10/18

از صفحه 31 تا 60

پژوهشنامه جغرافیای انظامی
سال هفتم، شماره بیست و هشتم، زمستان 1398

چکیده

مسئله جرم و ناامنی یکی از مهم‌ترین مسائل در مناطق شهری و روستایی است. اغلب اعمال مجرمانه در مکان‌هایی با شرایط محیطی که زمینه‌های لازم را دارند، اتفاق می‌افتد. طراحی نامناسب محیط، فرصت مناسبی را برای بزهکاری فراهم می‌کند. هدف از این پژوهش ارزیابی مؤلفه‌های طراحی محیطی در راستای فراهم کردن زمینه‌های اعمال سیاست‌های پیشگیری از وقوع جرم در مناطق روستایی است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای، آمار رسمی و مطالعات میدانی (پرسشنامه) انجام گرفته است. برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از نرم‌افزارهای SPSS و Arc GIS استفاده شده است. جامعه آماری در این تحقیق (35) سکونتگاه روستایی بالای (20) خانوار در شهرستان شهریار است؛ که از این میان (18) سکونتگاه به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. برای تعمیم اطلاعات به دست آمده به کل جامعه آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران، (378) خانوار به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که سه شاخص نظارت، کنترل و دسترسی، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و میانگین کلی (2/90) برای شاخص‌ها، نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب طراحی محیطی در بین روستاهای مورد مطالعه است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل فضایی نشان می‌دهد با توجه به مؤلفه‌های طراحی محیطی، (4) روستا در وضعیت مطلوب، (10) روستا در وضعیت متوسط و (4) روستای دیگر در وضعیت نامطلوب قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی، مؤلفه، طراحی محیطی، مناطق روستایی، شهرستان شهریار.

1- استادیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، astaneali@ut.ac.ir

2- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

3- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مسائل شهری (و روستایی) مسئله جرم و ناامنی است. همه‌ساله هزاران تن، قربانی خشونت‌های پیدا و پنهان می‌شوند. تهدیدهای ناشی از دریافت و احساس ناامنی به‌وسیله افشار مختلف اجتماعی به‌خصوص زنان، کودکان و سالمندان، در بسیاری از فضاهای کشور ما امری انکارناپذیر است (قلیچ و عماری، 1392: 10). بدون تردید رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای متناسب با به‌کارگیری توانایی‌های موجود در آن جامعه است. یکی از راه‌های تحقق پیشرفت، تأمین بستر کالبدی مناسب و ایمن برای حضور فعال و ایجاد فرصت برای افشار مختلف مردم در روستا در جابجایی و استفاده از فضاهای روستایی است. پژوهشگران عرصه آسیب‌شناسی اجتماعی و برنامه‌ریزان، وجود بستر فضایی مناسب برای جرم را یکی از دلایل وقوع جرم برشمرده‌اند. طراحی نامناسب محیط، کوچه‌های کم‌رفت‌وآمد و خانه‌های خالی مسکونی فرصت مناسبی را برای بزهکاری فراهم می‌آورد. به‌طور کلی تمامی ناهنجاری‌ها و مفسد اجتماعی (رفتارهای ناهنجار انسانی و مخالف ارزش‌های هر جامعه) که تحت عنوان «جرم» شناخته می‌شوند به هر نحو که از انسان سر بزنند دارای بستر زمانی و مکانی هستند و می‌توان گفت از دیدگاه جغرافیایی هر جرم به‌وسیله انسان در مقطع خاصی از زمان یا مکان رخ می‌دهد. به‌بیان دیگر تمامی اعمال مجرمانه دارای ظرف مکانی و زمانی خاص هستند که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. مهم‌تر اینکه تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیات رفتاری، در کنار عامل زمان، توزیع فضایی نابرابر جرائم را در پی دارد و همین امر موجب می‌شود تا ناهنجاری‌های اجتماعی در واحد مکان، به‌طور یکسان پراکنده نباشند (کلانتری، 1380: 2).

بررسی‌های مکانی محل وقوع جرائم، به‌خوبی نشان می‌دهد مجرمین در ارتکاب جرم، اغلب دست به انتخاب‌های کاملاً منطقی زده و به دنبال ساده‌ترین، کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط برای ارتکاب جرم هستند، بنابراین در محدوده روستا، مناطقی را به‌عنوان محل انجام بزه خود انتخاب می‌کنند که شرایط مناسبی داشته باشد؛ بنابراین شناسایی شرایط مکانی به وجود آورنده فرصت‌های جرم و یا تسهیل‌کننده آن با تکیه بر اصول علم جغرافیا، ضروری به نظر می‌رسد. بدین‌وسیله می‌توان با تغییر این شرایط و خلق فضاهای مقاوم در برابر جرم به‌طور مؤثری از میزان ناهنجاری‌های روستایی

کاست (لوکاتیو¹، 1997: 5 به نقل از کلانتری، 1380: 3). به‌طورمعمول به نظر می‌رسد اعمال مجرمانه اغلب در مکان‌های مختلف با شرایط محیطی اتفاق می‌افتد که زمینه‌های لازم را دارند؛ چون مجرمین در انتخاب مکانی برای اعمال جرم بسیار سنجیده عمل می‌کنند. به سخن دیگر شرایط محیطی و فضای موردنظر، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتکاب جرم دارند (مری²، 1981؛ کووزن³ و همکاران، 2005؛ لیبرمن و کروگر⁴، 2004). به‌طوری‌که در اکثر کارهای انجام‌شده در این زمینه، تأثیر کالبد و محیط بر افزایش جرم در سکونتگاه مدنظر قرار گرفته است (آناستازیا و جان⁵، 2007)؛ اما به نظر می‌رسد توزیع جرم در سطح منطقه از لحاظ جغرافیایی به‌صورت یکسان نبوده و از مکانی به مکان دیگر تفاوت وجود دارد (الستون و کنت⁶، 2009؛ مارسدن⁷ و همکاران، 2012؛ مارشال و جانسون⁸، 2005)؛ و در هر منطقه با توجه به ویژگی‌های خاص آن، نوع خاصی از جرم اتفاق می‌افتد (شاهیوندی، 1388: 33).

با توجه به آمار سالانه منتشرشده توسط NFU⁹، جرم و جنایت روستایی در سال‌های گذشته در حال افزایش بوده است (سامرویل¹⁰ و همکاران، 2015)؛ زیرا تمایل روزافزون به سوی گرایش به جرم در جوامع روستایی دیده می‌شود که نفوذ فرهنگ‌ها و کج‌رفتاری‌های شهری در آن بی‌تأثیر نبوده است (اندرسون¹¹ و همکاران، 2005). در دهه‌های اخیر وقوع جرم در نواحی روستایی افزایش یافته است (سالتزمن¹² و همکاران، 2011: 58؛ هاگ و کارینگتون¹³، 2006؛ لیتوپولوس و رادل¹⁴، 2011؛ رادل¹⁵، 2014). این افزایش جرم و جنایات روستایی در جهان بر روی کشور ما نیز تأثیرگذار بوده است. به‌طوری‌که جرائم و بزهکاری در روستاهای کشور ما نیز قابل‌رویت است. ناحیه

- 1- Loukatiou
- 2- Merry
- 3- Cozens
- 4- Liebermann & Kruger
- 5- Anastasia & John
- 6- Alston & Kent
- 7- Marsden
- 8- Marshall & Johnson
- 9- National Farmers Union
- 10- Somerville
- 11- Anderson
- 12- Saltzman
- 13- Hogg and Carrington
- 14- Lithopoulos & Ruddell
- 15- Ruddell

مورد مطالعه این پژوهش، نواحی روستایی شهرستان شهریار است. این ناحیه به دلیل تراکم جمعیت در شهر شهریار و شهرهای تابعه و به نوعی قرار گرفتن در حاشیه شهر با انواع جرائم دست‌وپنجه نرم می‌کند. با این توصیف باید گفت که بزهکاری و وجوه مختلف خشونت و بی‌نظمی از پدیده‌های بسیار پیچیده اجتماعی است و منشأ این پدیده به ساختارهای مختلف محیطی و جمعیتی و اجتماعی برمی‌گردد (آستین¹ و همکاران، 2002). در صورت وجود بستر مکانی و زمانی مساعد، زمینه بروز جرم و تکرار را فراهم می‌کند و به‌مرور زمان یک محیط جغرافیایی به یک کانون جرم‌خیز بدل می‌شود؛ چراکه با ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل مکانی به وجود آورنده و تسهیل‌کننده فرصت‌های جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر ناهنجاری ضمن افزایش امنیت، جرم کاهش خواهد یافت و بدین‌وسیله امکان کنترل و پیشگیری از ناهنجاری‌ها را به نحوه بهتری فراهم می‌کند. این نکته در تحقیقات تأیید شده است که برخی مشخصات کالبدی و اجتماعی در وقوع جرم مؤثر هستند. با تغییر ساختار و عناصر تشکیل‌دهنده فضا اعم از نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی، طراحی مناسب ساختمان‌ها و احیاء و ساماندهی بافت با ارزش و خانه‌ها و مسکن مخروبه، طراحی مناسب و مهندسی و ابزارهای فناوری نوین می‌توان از وقوع بزهکاری پیشگیری کرد (کلانتری و جباری، 1392: 32).

شهرستان شهریار، به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و کارکردی و شرایط خاص کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر آن، با نرخ بالای جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه است. به عبارتی یکی از مهم‌ترین مشکلات این شهرستان در حال حاضر میزان بالای جرم و جنایت و ناهنجاری اجتماعی است؛ بنابراین اعمال سیاست‌های پیشگیرانه از جرائم در این شهرستان از اهمیت مضاعفی برخوردار است (سجادیان و همکاران، 1394). در این راستا، از آنجاکه بحث طراحی محیطی در مناطق روستایی دارای اهمیت فراوانی است، می‌توان با شناسایی و سنجش آن میزان جرائم را در روستاها کاهش داد. در واقع جرم و جنایات روستایی موجب آثار مخربی در اجتماع و در بلندمدت آثار غیرقابل جبرانی همچون ایجاد ناهنجاری‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی می‌شود و همچنین در توسعه پایدار روستایی اختلال ایجاد می‌کند. این عوامل

1- Austin

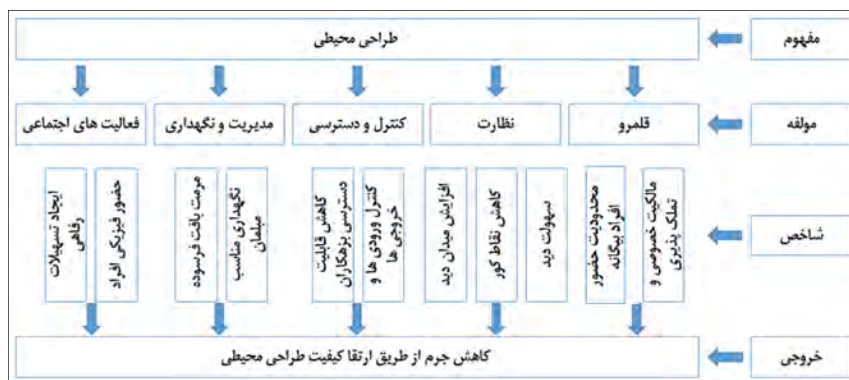
لازمه مطالعه طراحی محیطی در مناطق روستایی را ایجاد می‌کند. از آنجاکه مطالعات کیفیت طراحی محیطی در مناطق شهری به‌وفور انجام گرفته است، لازم است که به کیفیت طراحی محیطی در مناطق روستایی نیز پرداخته شود. بر این اساس، اهمیت موضوع کیفیت طراحی محیطی و نیز اهمیت پیشگیری از این جرائم و کاهش جرم‌خیزی در این ناحیه، لازم است تا شناخت علمی و دقیق‌تری به مسئله طراحی محیطی در مناطق روستایی به‌دست آوریم. این پژوهش به دنبال تحلیل تفاوت‌های مکانی مؤلفه‌های طراحی محیطی در ناحیه مورد مطالعه است؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که تفاوت‌های مکانی مؤلفه‌های طراحی محیطی در ناحیه مورد مطالعه از دیدگاه ساکنین به چه صورت است؟

پیشینه پژوهش

در زمینه تبیین نقش طراحی محیطی در کاهش جرم‌خیزی مناطق روستایی مطالعاتی به‌طور خاص صورت نگرفته است اما در چند دهه اخیر در حوزه مطالعات شهری تحقیقاتی صورت گرفته است؛ همچنین در زمینه تأمین امنیت در مناطق روستایی مطالعاتی صورت گرفته است که در مجموع می‌توان به نتایجی همچون یافتن مکان‌های دارای جرم بالا و مشخص کردن متغیرهای کالبدی و محیطی تحت عنوان «تحلیل فضایی جرم و مکان‌های جرم‌خیز قزوین» (نصیری و همکاران، 1393)، «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم شهری» (مرصوصی و همکاران، 1393)، «تبیین ارتباط معنادار بین طراحی مناسب محیطی در کاهش جرم و جنایت» (کلانتری، 1392) اشاره کرد، در پژوهش «رابطه نوع و میزان کاربری اراضی در شکل‌گیری الگوی فضایی بزهکاری در تهران» نیز مشخص کرد که نوع و میزان کاربری اراضی تأثیر بسزایی در الگوی بزهکاری دارند و بیشترین جرائم در محدوده کاربری‌های تجاری و اداری قرار دارند. ادیبی نژاد و همکاران (1390) «امنیت در سطح محله‌های شهر بابلسر» را از دید شاخص‌های کالبدی بررسی کردند محله‌هایی که دارای کم‌ترین استانداردهای لازم برای کاهش زمینه جرم هستند، در موج توسعه قرار نگرفته‌اند؛ و کم‌درآمدترین افراد در آن سکونت دارند. کلانتری و آیت اله (1386) «تأثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن» را بررسی کرده و به اثبات رابطه نوع و میزان جرم با محیط

و ارائه پیشنهادهایی برای جلوگیری از جرم رسیدند. پارک و استوکوسکی¹ (2009) به «بررسی جرم در نواحی روستایی گردشگری» پرداختند و به این نتیجه رسیدند که میزان جرم با تراکم و افزایش گردشگران رابطه مستقیم دارد. شرفی (1395) در پژوهشی «نقش ویژگی‌های کالبدی بر کاهش میزان جرم‌خیزی در مناطق روستایی مورد مطالعه: روستاهای پیرامون کلان‌شهر اهواز» را مورد مطالعه قرار داد؛ نتایج پژوهش نشان داد که جرم در روستاهای مورد نظر دارای توزیع فضایی نامطلوبی است و ویژگی‌های کالبدی-محیطی در جرم صورت گرفته نقش بسزایی دارند. ضعف در ویژگی‌های محیطی در روستاهای مورد نظر با توجه به رویکرد نظری² CPTED که نشانگر رعایت ناچیز اصول برنامه‌ریزی در محیط است، به تسهیل شرایط وقوع جرم یاری رسانده است. واسهیت و دانرمایر³ (2000) به «بررسی و شناخت ماهیت جرم در نواحی روستایی تبیین و تحلیل مسائل آینده جرم در نواحی روستایی آمریکا» پرداختند. تنوع نژادی در گرایش به جرم، مؤثر و نزدیکی نرخ جرم در نواحی شهری و روستایی از نتایج آن‌هاست. رافان⁴ (1999) به «توصیف دینامیک فضایی جرم در نواحی روستایی و بررسی جرم در نواحی روستایی آمریکا طی سال‌های 1995 تا 1997» پرداخت. اثبات تأثیر توسعه روستایی بر افزایش جرم، تأثیر بازساخت روستایی بر افزایش جرم، افزایش جرم به دلایل افزایش گردشگری، مهاجرت معکوس و توسعه زیرساخت‌ها از نتایج آن پژوهش است. لیتل، پانلی و کراک⁵ (2005) در پژوهشی به «شناسایی علل ترس از جرم در زنان روستایی و بررسی گرایش به جرم در زنان در انگلستان و نیوزیلند» پرداخته‌اند. تأثیر اهمیت چشم‌انداز روستایی بر جرم و رفتارهای جرم‌انگیز از نتایج پژوهش بوده است. چکاتو و دولمن⁶ (2011) به «بررسی میزان جرم در نواحی روستایی سوئد و بررسی تطبیقی میزان جرم در نواحی شهری و روستایی» پرداخته‌اند که زایش جرم در نواحی روستایی در طی دهه گذشته و تأثیر مصرف الکل بر جرم از نتایج آن پژوهش است (رضوانی و همکاران، 1390).

1- Vostokowski & Park
 2- Crime prevention through environmental design
 3- Weisheit & Donnermeyer
 4- Rephann
 5- Little, Panelli, & Krack
 6- Ceccato & Dolmen



شکل شماره (1). مدل مفهومی پژوهش. (منبع: پورجعفر و دیگران، 1387؛ صادقی و همکاران، 1393؛ کوزن، 2004؛ تسنگ و همکاران، 2004؛ کلیوند و ساویل، 2003).

مبانی نظری پژوهش

انجمن بین‌المللی تعاون¹ این رویکرد را استفاده هوشمندانه از فضای ساخته‌شده در جلوگیری از جرائم در فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی محیط مصنوع تعریف می‌کند (بلیکلی و اسنایدر²، 1997: 12). این رویکرد تحت تأثیر اندیشه‌های جفری (1971) و جین جیکوبز (1961) به وجود آمد. البته کلارک، کرنیش، تایلور و هارلی³ مبانی نظری جرم‌شناسی پشتیبان را برای نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط فراهم کردند (افضلی و همکاران، 1392: 40).

وُد⁴ (1981) اولین کسی بود که بین جرم و محیط فیزیکی ارتباط قائل شد. به‌عنوان مثال او بررسی کرد که چگونه مشخصات فیزیکی و ذاتی طرح‌های اسکان عمومی از ارتباط و تماس شهروندان حاضر در بلوک‌های ساخته‌شده که هسته کنترل اجتماعی غیررسمی باشند، جلوگیری می‌کنند. در مناطقی که تراکم جمعیت بسیار کم است، به علت نبود نظارت معمولی و کنترل اجتماعی از سوی مردم جرائم زیادی اتفاق می‌افتد (انگل⁵، 1968: 102). دهه (1970) شاهد ظهور «جغرافیای جرم» بود که بر

1- International Co-operative Alliance

2- Blakely and Snyder

3- Jeffrey, Jacobs, Clarke, Cornish, Taylor, Harley

4- wod

5- Angel

روی مکان، فضا و قلمرو به‌عنوان کانون‌های اکولوژی اجتماعی جرم تأکید داشتند. نظریهٔ «فعالیت‌های روزمره» کوهن و فلسون (1979) نقش ساختار جامعه مدرن و فعالیت‌های معمول زندگی روزمره در ایجاد فرصت‌های بیشتر برای فعالیت‌های مجرمانه را مورد بررسی قرار می‌دهد (کوهن و فلسون¹، 1979: 589). در حوزه جغرافیای جرم که مجموعه‌ای از روش‌های مطالعه محیطی جرم است، هر جرمی دارای دو بعد است: بُعد افقی (بعد محیطی یا کجایی جرم) که ناظر بر محل و مکان جرم است و الگوهای رفتار مکانی مجرمان را بررسی می‌کند و بُعد عمودی که بیشتر درباره سایر مسائل مانند جرم و مجرم، آماج‌ها و غیره بحث می‌کند. به عبارت بهتر جرم یک پدیده مکان مرجع است و بالاخره با هر شکل و حالت و از هر نوع که باشد در یک مکان به وقوع می‌پیوندد (جعفریان، 1386: 47). نظریه بسیار تأثیرگذار «پنجره‌های شکسته» از ویلسون و کلینگ (1982) بر روی اهمیت حیاتی نظارت محیطی به‌عنوان یک شاخص فیزیکی برای ایجاد انسجام اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی تأکید داشت (ویلسون و کلینگ²، 1982: 23). در واقع از طریق طراحی می‌توان با ایجاد موانع و سد کردن موقعیت‌های ارتکاب جرم و یا با دشوار کردن ارتکاب جرم از وقوع جرائم پیشگیری کرد. محیط کالبدی می‌تواند از طریق از بین بردن مکان‌های اختفاء و یا راه‌های مناسب فرار، مانع از ارتکاب جرم و رفتار مجرمانه شود. محیط کالبدی می‌تواند رفتار شهروندان را در جهت مسئولیت‌پذیری، مشاهده متخلفان و پیشگیری تغییر دهد (کلانتی و همکاران، 1389: 45).

نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) یکی از نظریه‌هایی است که می‌تواند مسئله ما را تفسیر کند. در شکل‌گیری این نظریه می‌توان گفت که در سال (1971) هنگامی که پژوهش پیشگیری جرم از طریق محیط توسط ری جفری برای اولین بار منتشر شد. نقطه عطفی در ارتباط با بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتارهای ناهنجار پدید آمد؛ زیرا این مقوله تا قبل از آن در حوزه مباحث جرم‌شناسی قرار گرفته بود (گلدیچ³، 2007: 45).

1- Cohen and Felson

2- Kelling & Wilson

3- Gleditsch

با مطالعات «جاکوبز»، «جفری» و «نیومن» راه برای پژوهش‌های بیشتر هموار شد و بعد از آن‌ها پژوهشگران بسیاری در این رابطه به مطالعه و بررسی پرداختند. «گرین برگ» و «کولگز» مطالعاتی در خصوص رابطه میان میزان جرم و خصوصیات فیزیکی و کاربری زمین در آتلانتا انجام دادند. آن‌ها دریافتند که موقعیت اقتصادی - اجتماعی واحدهای همسایگی و کاربری زمین مثل مناطق صرفاً مسکونی در مقابل نواحی مختلف (مسکونی و تجاری) باعث بروز میزان خاصی از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود (فینس¹ و همکاران، 1997: 9). به نظر «جاکوبز» دیدگاه «CPTED» بهترین ابزار برای کاهش فرصت‌های محیطی بزهکاری است. این دیدگاه به پیشگیری از جرم از طریق طراحی و برنامه‌ریزی مناسب محیط تأکید می‌کند که می‌تواند منجر به کاهش فرصت‌های وقوع جرم و بهبود زندگی مردم شود. مطابق دیدگاه نظری «CPTED»، از طریق برنامه‌ریزی و مدیریت محیط فیزیکی و کنترل کاربری‌های اراضی از قبیل مناطق تجاری، مسکونی، معابر عمومی و نیز طراحی فضاهای زیست می‌توان به امنیت و سلامت عمومی جامعه کمک کرد. به نظر «جفری» مراقبت‌های طبیعی شهروندان از طریق ساختارها و فضاهای سکونتگاهی، عاملی مهم در کنترل جرائم سکونتگاه‌ها است. دیدگاه نظری «CPTED» می‌کوشد از نظارت طبیعی شهروندان به‌عنوان عامل بازدارنده فعالیت‌های غیرقانونی، همراه با طراحی مناسب محدوده‌های شهری و روستایی بهره‌گیرد؛ بنابراین دیدگاه نظری «CPTED» بر محیط کالبدی با هدف کاهش جرم، بر افزایش تجانس و امنیت عمومی اجتماع و ساکنین از جمله روستا تأکید دارد. در واقع نظریه «CPTED» یک رویکرد اجتماعی - فیزیکی در حوزه جرم‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری و روستایی است. چنانکه ارزیابی و پالایش پنج راهبرد؛ قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل و دسترسی، مدیریت و نگهداری و پشتیبانی از فعالیت‌های اجتماعی هستند. ابعاد مهم‌تر مربوط به نگهداری کارا و پایدار و مدیریت فضای شهری و روستایی است که در فضاهای شهری مورد توجه است (کوزن²، 2004: 2)؛ زیرا در این فرضیه اعتقاد بر این است که جرم را می‌توان به‌وسیله ویژگی‌های محیط فیزیکی تسهیل یا پیشگیری کرد. در واقع هدف پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی کاهش حوادث بزهکاری و ترس از جرم

1- Feins

2- Cozens

است (تسنگ¹ و همکاران، 2004: 21). ادعا می‌شود که این نظریه ابزار مفیدی برای دستیابی به طراحی شهر و روستا به صورت مؤثرتر، پایدارتر و قابل زیست‌تر است (کوزن، 2008: 272).

بر طبق تعریف سازمان برنامه‌ریزی شهر و روستا (2012)، «CPTED» شامل اصول طراحی‌هایی می‌شود که جزئیات مؤثر در محیط فیزیکی که می‌تواند بر رفتار انسان‌ها در درگیر شدن با موضوع جرم تأثیر بگذارد و همچنین احساس امنیت را افزایش دهد. از این رو این نظریه می‌تواند در افزایش کیفیت زندگی نیز مؤثر باشد (هاشم² و همکاران، 2016: 507)؛ بنابراین می‌توان این رویکرد را یک رویکرد ترکیبی در طراحی ساختار کالبدی شهر و روستا دانست که از طریق آرایش و طراحی کالبدی سکونتگاه برای جلوگیری از ارتکاب جرائم و یا کاهش آن بهره می‌برد (پترلا، لورا³، 2004). اگرچه «CPTED» همچنان بر پیشگیری از جرم تأکید می‌کند، ولی مجموعه‌ای از اصول از رشته‌های مختلف را در بر می‌گیرد که آن را به مفاهیم پایداری درک فضاها به‌عنوان یک اکوسیستم پیوند می‌دهند (مک کولی و اوپی⁴، 2006: 18). نسل اول رویکرد «CPTED» از طریق ایجاد تغییرات در محیط، به موقعیت کاهش فرصت‌های جرم و در نهایت ایجاد امنیت نائل می‌شود (کلیولند و ساویل⁵، 2003: 4-6). نسل دوم، تمرکز بر ابعاد فیزیکی در پیشگیری از جرم را ناکافی دانسته و ایده‌های خود را بر پایه نظریه چشم‌های ناظر بر خیابان جیکوبز، شکل می‌دهد. از دیدگاه نظریه‌پردازان نسل دوم، آنچه در عبارت «چشم‌های ناظر بر خیابان» جیکوبز، مهم و پرمعنی بوده، زاویه دید و حتی خیابان نبوده، بلکه چشم‌ها بوده‌اند. استفاده از «چشم‌ها» با هدف مورد تأکید قرار دادن ناظران حاضر در محله در حقیقت آن چیزی است که حس اجتماعی ایجاد می‌کند (ساویل و کلیولند⁶، 1997). در واقع اصل اساسی نسل اول، قلمروبندی و ایده اصلی نسل دوم، همبستگی اجتماعی است (بنیاد متلایف⁷، 2008).

رویکرد «CPTED» شامل پنج اصل کلیدی است که عبارت‌اند از:

-
- 1- Tseng
 - 2- Hashim
 - 3- Petrella, Laura
 - 4- McCauley and Opie
 - 5- Cleveland & Saville
 - 6- Saville & Cleveland
 - 7- MetLife Foundation

- تقویت قلمروهای طبیعی: قلمرو مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند که فضاهای خصوصی را از فضاهای عمومی جدا می‌کند و بر اساس احساس مالکیت خصوصی شکل می‌گیرد. از این رو از طریق انگیزانندگی احساس مالکیت و تملک‌پذیری شهروندی نسبت به محله‌های مسکونی است که حضور بیگانگان و مزاحمان، برای ساکنان بااهمیت می‌شود. به عبارت ساده‌تر تنها بعد از وجود القاء چنین احساسی در شهروندان و ساکنان سکونتگاه است که افراد مزاحم و مجرمان این حق را به خود نمی‌دهند که به حوزه قلمرو فرد دیگری وارد شوند (پورجعفر و همکاران، 1387: 77). با طراحی و مدیریت مناسب فضا و ایجاد موانعی برای تعیین مالکیت‌های خصوصی (منازل شخصی) و نیمه‌خصوصی (محله‌های مسکونی) می‌توان از وقوع جرائم جلوگیری کرد (صادقی و همکاران، 1393: 68).
- نظارت طبیعی: نظارت طبیعی به معنای توانمندسازی محیط شهری و روستایی از طریق در معرض دید قرار گرفتن و آسانی نظارت است که امکان نظارت بر سکونتگاه را به‌وسیله شهروندان یا ارگان‌های انتظامی فراهم می‌کند. بر این اساس این امکان فراهم می‌شود که محله‌ها در معرض دید عمومی قرار گیرند و از ایجاد مناطق غیرقابل نظارت و به‌اصطلاح «مناطق کور» جلوگیری به عمل آورده می‌شود (پورجعفر و همکاران، 1387: 77). در واقع با به حداکثر رساندن میدان دید ساختمان‌ها و کاربری‌های مختلف، می‌توان مراقبت‌های طبیعی از خیابان‌ها، معابر و حریم ساختمان‌ها را افزایش داد و در نتیجه از میزان جرائم کاست (صادقی و همکاران، 1393: 68).
- کنترل و دسترسی: با استفاده از این اصل می‌توان میزان دسترسی به مناطقی در شهر که امکان وقوع جرم دارند را برای مجرمان احتمالی کاهش داد (پورجعفر و همکاران، 1387: 77). در واقع بازگوکننده این حقیقت است که کنترل ورودی‌ها و خروجی‌های ساختمان‌ها و معابر و مراکز تفریحی و محله‌های مسکونی، کاهش قابلیت دسترسی طبیعی و افزایش نظارت طبیعی به‌منظور محدود کردن ورود بزهکاران منجر به کاهش جرائم می‌شود (صادقی، 1393: 68).

- مدیریت و نگهداری: با تعمیر و نگهداری مناسب از میلمان، تابلوها، علائم شهری و روستایی، چراغ‌های روشنایی و محوطه‌سازی می‌توان افزون بر بهینه‌سازی هزینه‌های شهری و روستایی، از بالا رفتن تصور مجرمان نسبت به بی‌توجهی به فضای سکونتگاه و ظرفیت مناطق در جرم‌خیزی کاست.
- حمایت از فعالیت‌های اجتماعی: منظور این است که این امکان فراهم شود تا برخی فعالیت‌های اجتماعی در مناطق شهر و روستا ایجاد شود که علاوه بر اشتغال‌زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی بتوان حضور پیوسته جمعیت در مناطق و میزان نظارت انسانی را بر آن‌ها افزایش داد. بسیاری از جرائم در مناطقی روی می‌دهد که نظارت عمومی کم است و یا انسان حضور فیزیکی ندارد. در این روش تلاش می‌شود تا نوعی توانمندسازی در فعالیت‌های اجتماعی صورت گیرد و درواقع به مناطقی که امکان جرم‌خیزی در آن‌ها بیشتر است، فعالیت‌های اجتماعی و حضور پیوسته افراد افزوده شود (پورجعفر و همکاران، 1387: 77).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است که با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر اطلاعات کتابخانه‌ای، آمار رسمی و میدانی انجام گرفته است. شاخص‌ها و متغیرهای مورد تحلیل در این پژوهش در برگزیده اصول و مؤلفه‌های «CPTED» شامل؛ قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل و دسترسی، مدیریت و نگهداری، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی می‌باشند. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به روش پرسشنامه‌ای، استفاده از آمارها و استاد رسمی و مراجعه حضوری در مکان‌هاست. برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از نرم‌افزارهای SPSS و Arc GIS¹ استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش، (35) سکونتگاه روستایی بالای (20) خانوار در شهرستان شهریار است. شهرستان شهریار دارای (6) دهستان بوده که (4) دهستان به‌طور نمونه و از کل جامعه آماری با توجه به ویژگی اجتماعی و اقتصادی خاص روستاهای ناحیه مورد مطالعه، حدود (50) درصد، معادل (18) سکونتگاه به‌صورت تصادفی و با توجه به شاخص‌های موقعیتی نسبت به شهرهای اطراف انتخاب شده‌اند (جدول شماره 1).

جدول شماره (1): روستاهای منتخب مورد مطالعه.

ردیف	نام روستا	حجم	ردیف	نام روستا	حجم	ردیف	نام روستا	حجم
1	کردامیر	11	7	اصیل‌آباد	26	13	اسکمان	11
2	یبارک	14	8	سقرچین	5	14	دهشادبالا	20
3	فرارت	30	9	رضی‌آباد بالا	32	15	ابراهیم‌آباد	9
4	حصارسانی	6	10	رضی‌آباد پائین	10	16	کردزار	19
5	قجرآباد	7	11	دینارآباد	29	17	یوسف‌آباد صیرفی	14
6	پکه	19	12	رزکان	32	18	سعیدآباد	84

برای تعمیم اطلاعات به دست‌آمده به کل جامعه آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری کوکران از کل (23471) خانوار، حجم نمونه با ضریب اطمینان (95) درصد و پیش برآورد واریانس (0/25) درصد، برابر با (378) خانوار تصادفی انتخاب شدند. با توجه به اینکه ناحیه مورد مطالعه از نظر ویژگی جغرافیایی ناهمگن است، انتخاب خانوارهای روستایی برای پرسشگری بر اساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بوده است (کوتاری¹، 2009: 34). انتخاب و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش با توجه به ادبیات موضوع صورت گرفته؛ به طوری که مؤلفه‌های طراحی محیطی در (5) گروه طبقه‌بندی شده‌اند (جدول شماره 2).

جدول شماره (2). شاخص‌های ارزیابی کیفیت محیطی.

مؤلفه قلمرو
1. اگر شرایطتان فراهم شود از این روستا می‌روید؟ 2. شرکت در مجالس عمومی برای رفع مسائل روستا؛ 3. احساس همبستگی؛ 4. تردد افراد غریبه در روستا؛ 5. آثار علائم و عناصر محل‌های و تخریب توسط ساکنین.
مؤلفه نظارت
1. قابل‌رؤیت بودن فضاهای باز و عمومی و محل بازی کودکان از سطح معابر و واحدهای مسکونی؛ 2. نوع فعالیت‌ها به صورتی است که مکان‌ها را در ساعات تعطیل خلوت و متروکه نسازد و فعالیت‌ها به صورتی است که باعث حضور پیوسته و متنوع افراد در مکان‌ها می‌شود؛ 3. عناصر غیرکالبدی مانع دید (مثل نرده، درخت و بوته‌ها و ...) به نحوی که از هر طرف قابل‌رؤیت بودن سطح فضا را کاهش دهد؛ 4. زمین‌های بازی بچه‌ها در پارک‌ها و فضاهای باز، نزدیک سایر زمینه‌های فعالیت از قبیل دکه‌ها و مغازه‌ها قرار گرفته است؛ 5. میزان روشنایی فضاهای اصلی روستا در شب؛ 6. قدرت تشخیص چهره یک فرد در فاصله 15 متری (در محدوده فضای جانبی و معابر فرعی).
مؤلفه کنترل و دسترسی
1. شناخت از نقشه و مکان‌های ناامن روستایی؛ 2. میزان تفکیک قلمرو عابران پیاده از مسیرهای حرکت وسایط

نقلیه؛ 3. در ترکیب کاربری‌ها، کاربری‌هایی (مثل مراکز انتظامی و پاسگاه، بسیج محله و...) وجود دارد که موجب افزایش ریسک مجرمان شود؛ 4. میزان علائم نصب‌شده در نقاط تصمیم‌گیری همچون تقاطع و مسیرهای اصلی؛ 5. چه مقدار از کوچه‌های روستا ماشین‌رو نیست؟

مؤلفه مدیریت و نگهداری

1. میزان آثار تخریب که حاکی از عدم توجه و بازسازی توسط مسئولین باشد؛ 2. میزان نمادهای آلودگی دبداری مانند؛ پنجره‌های شکسته، ساختمان‌ها با نمایی و ظاهری کثیف و مخدوش و تابلوهای کثیف و شکسته که حاکی از عدم نظارت بر مکان و اختشاش بصری است؛ 3. وضعیت جمع‌آوری زباله و خدمات موردنیاز؛ 4. در ترکیب کاربری‌ها، کاربری‌هایی (مثل پارکینگ‌ها و انبارهای بزرگ، زمین‌ها و مکان‌های رهاشده و...) وجود دارد که موجب افزایش ریسک شهروندان و ترس آنان از وقوع جرم می‌شود؛ 5. وضعیت آلودگی فاضلاب و آلودگی صوتی.

مؤلفه حمایت از فعالیت‌های اجتماعی

1. در ترکیب کاربری‌ها، کاربری‌هایی (مثل فروشگاه‌ها، مراکز خدماتی و...) وجود دارد که مشوق فعالیت‌های معطوف به برقراری ارتباط متقابل افراد در طول شبانه‌روز هستند؛ 2. امکانات برای گذران اوقات فراغت کوتاه جوانان (مانند کتابخانه، زمین‌های ورزشی و...)؛ 3. وجود فضای کافی، در فضاهای عمومی و پیاده‌روها برای توسعه فعالیت‌های اجتماعی؛ 4. میزان کاربری‌های غیرفعال که مانع جذب جمعیت به سایر فعالیت‌ها و کاربری‌ها می‌شوند؛ 5. میزان موفقیت کاربری‌های مختلط (فروشگاه‌ها، مراکز خدماتی، اوقات فراغت و...) در ارتباط با یکدیگر.

منبع: ادیبی سعدی‌نژاد و عظیمی، 1390؛ ایزدی و حقی، 1394؛ پورجعفر و همکاران، 1387؛ صادقی و همکاران، 1393؛ عنابستانی و جوانشیری، 1396؛ کلانتری و جباری؛ الماسی فر و انصاری، 1389؛ کوزنز، 2008؛ کرو، 2000؛ کوزنز و همکاران، 2005؛ لیتوپولوس و رادل، 2011؛ لیبرمان و کروگر، 2004؛ مک کولی و اپین، 2006؛ رادل، 2014؛ سامرویل و همکاران، 2015.

برای سنجش روایی صوری (اعتبار) ابزار پژوهش، با استفاده از روایی صوری، مبتنی بر نظرات خبرگان امر مورد تأیید قرار گرفت (حافظنیا، 1387: 132)؛ و پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تعیین و تأیید شد (جدول شماره 3).

جدول شماره (3). مقدار ضریب آلفای کرونباخ در راستای تعیین پایایی ابزار پژوهش.

مؤلفه	قلمرو نظارت	کنترل و دسترسی	مدیریت و نگهداری	حمایت از فعالیت‌های اجتماعی	کل
مقدار آلفا	0/56	0/749	0/686	0/612	0/619

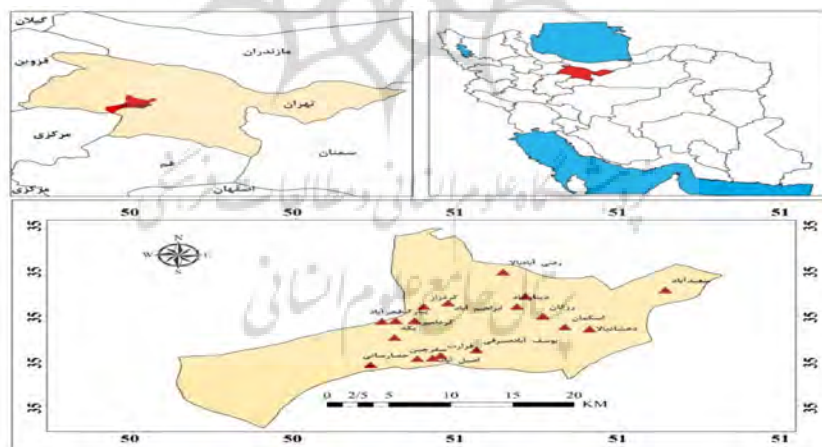
برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS22 تحت ویندوز استفاده و تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو قسمت یافته‌های توصیفی (توصیف) و یافته‌های استنباطی (تبیین) ارائه شد. در این مسیر آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون آنووا¹ و دانکن² مورد استفاده قرار گرفت.

1- ANOVA
2- DUNKAN

همچنین به منظور پهنه‌بندی فضایی احساس امنیت و انجام تحلیل‌های فضایی، اطلاعات گردآوری شده به نرم‌افزار Arc GIS منتقل شد.

قلمرو پژوهش

شهرستان شهریار در غرب استان تهران قرار گرفته و از شمال و غرب به شهرستان کرج، از شرق به شهرستان تهران و شهرستان اسلام‌شهر، از جنوب به شهرستان رباط‌کریم و از جنوب غربی به شهرستان ملارد محدود می‌شود. شهرستان شهریار تا پایان سال (1388) با جمعیتی بالغ بر (1300000) نفر شامل سه بخش ملارد، قدس و مرکزی بود که بر اساس مصوبه هیئت محترم وزیران بخش‌های ملارد و قدس به شهرستان‌های مستقل ارتقا و از ابتدای سال (1389) شهرستان شهریار منفک شد. در حال حاضر این شهرستان با جمعیتی بالغ بر (744210) نفر شامل (1) بخش، (7) شهر و (6) دهستان و (46) روستا است. این شهرستان به لحاظ نزدیکی به شهر تهران پایتخت سیاسی کشور، نزدیکی به فرودگاه‌های بین‌المللی و غیره دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که آن را از سایر شهرستان‌های استان متمایز می‌سازد. به‌عنوان نمونه عدم ساماندهی جمعیت منجر به سکونت‌های غیررسمی در شهرها و روستاها شده و این مهم تأمین شاخص‌های بهداشتی، امنیتی، درمانی، عمرانی، رفاهی و غیره را با مشکل روبرو ساخته است.



شکل شماره (2). موقعیت جغرافیایی قلمرو پژوهش (مرکز آمار ایران، 1395).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش

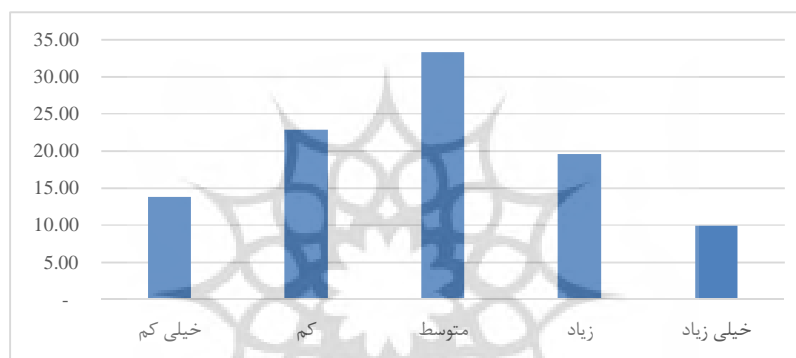
یافته‌های پژوهش، نشان داد میانگین سن پاسخگویان (32/78) سال است که کمترین (18) سال و بیشترین (68) سال دارد. از کل پاسخگویان، (239) نفر یا (63/2) درصد از پاسخگویان مرد و (139) نفر یا (36/8) درصد از آن‌ها زن بوده‌اند. همچنین، (219) نفر یا به عبارتی (57/9) درصد از پاسخگویان متأهل و (159) نفر یا (42/1) درصد از آن‌ها مجرد بوده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی تحصیلات پاسخگویان به ترتیب مربوط به دیپلم (183) نفر با (48/4) درصد، سیکل (72) نفر با (19) درصد، فوق‌دیپلم و لیسانس (54) نفر با (14/3) درصد، ابتدایی (37) نفر با (9/8) درصد، فوق‌لیسانس و بالاتر (21) نفر با (5/6) درصد و در نهایت بی‌سواد (11) نفر با (2/9) درصد می‌باشد. همچنین (59/9) درصد از پاسخگویان شاغل و (40/1) درصد از آن‌ها بیکار بوده‌اند. از (227) نفر پاسخگوی شاغل، (87) نفر یا به عبارتی (38/3) درصد دارای شغل دائمی و (140) نفر یا (61/7) درصد دارای شغل فصلی و موقت هستند. نتایج نشان می‌دهد به ترتیب بیشترین شاغلان در بخش کشاورزی (32/2) درصد، آزاد (25/6) درصد، کارگر (14/8) درصد، مغازه‌دار (8) درصد، کارمند (10/3) درصد، شاغلین دهیاری (3) درصد، نانوائی (1/3) درصد و در نهایت راننده معادل (3/1) درصد مشغول به کار بوده‌اند.

نتایج ارزیابی طراحی محیطی روستاها در ابعاد مورد مطالعه در جدول شماره (4) درج شده است. نتایج مربوط به میانگین طراحی محیطی در ابعاد مختلف حاکی از آن است که میانگین کلی به دست آمده به طور عمده در وضعیت متوسط قرار دارد. به طوری که در مؤلفه قلمرو بیشترین فراوانی مربوط به وضعیت زیاد با (28/4) درصد، در مؤلفه نظارت بیشترین فراوانی مربوط به وضعیت متوسط با (34/18) درصد، در مؤلفه کنترل و دسترسی بیشترین فراوانی مربوط به وضعیت متوسط با (43/12) درصد، در مؤلفه مدیریت و نگهداری بیشترین فراوانی مربوط به وضعیت زیاد با (32/91) درصد و در شاخص حمایت از فعالیت‌های اجتماعی بیشترین فراوانی مربوط به وضعیت کم با (35/50) درصد می‌باشد.

جدول شماره (4). میانگین و توزیع درصدی وضعیت طراحی محیطی روستاهای مورد مطالعه.

مؤلفه‌ها	درصد				
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
قلمرو	69/2	42/19	99/26	4/28	86/22
نظارت	8/16	85/21	18/34	31/19	2/5
کنترل و دسترسی	82/25	27/21	12/43	15/8	64/1
مدیریت و نگهداری	13/4	8/16	22/31	91/32	66/15
حمایت از فعالیت‌های اجتماعی	89/19	5/35	79/30	52/9	29/4
میانگین کل	87/13	82/22	26/33	59/19	93/9

منبع: یافته‌های تحقیق، 1397.



نمودار شماره (1). میانگین و توزیع درصدی وضعیت طراحی محیطی روستاهای مورد مطالعه.

ارزیابی مؤلفه‌های طراحی محیطی

با توجه به اینکه برای ارزیابی شاخص‌ها از یک طیف با (5) حالت (بازه 1 تا 5) استفاده شده است؛ بنابراین میانگین حد متوسط برای ارزیابی شاخص‌ها برابر به (3) است و مؤلفه‌های دارای میانگین کمتر از (3) در وضعیت نامطلوب و مؤلفه‌های با میانگین بالاتر از (3) در وضعیت مطلوب قرار دارند. نتایج آزمون T تک نمونه‌ای در سطح اطمینان (99) درصد معنی‌دار است. نتایج کلی آزمون T و میانگین کل به‌دست‌آمده برای شاخص‌ها برابر با (2/90) و با توجه به اینکه میانگین حد متوسط برای ارزیابی مؤلفه‌ها عدد (99) بوده است، می‌توان بیان کرد که وضعیت کلی طراحی محیطی با توجه به مؤلفه‌های مورد بررسی در شهرستان شهریار در وضعیت نامطلوب قرار دارد. همچنین در بین (5) مؤلفه مورد بررسی دو مؤلفه «قلمرو» با میانگین (3/49)

و «مدیریت و نگهداری» با میانگین (3/40) دارای بیشترین میانگین و با توجه به اینکه مقدار به‌دست‌آمده بالاتر از میانگین حد متوسط بوده و همچنین مقدار T به‌دست‌آمده برای این مؤلفه مثبت است می‌توان گفت این دو مؤلفه دارای وضعیت مطلوب هستند. همچنین سه مؤلفه «نظارت» با میانگین (2/80)، «حمایت از فعالیت‌های اجتماعی» با میانگین (2/43) و «کنترل و دسترسی» با میانگین (2/39) و همچنین با توجه به مقدار T به‌دست‌آمده برای این سه مؤلفه که مقدار آن منفی است، می‌توان اظهار داشت که سه شاخص مذکور دارای وضعیت نامطلوب هستند.

جدول شماره (5). نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای ارزیابی مؤلفه‌های کیفیت محیطی.

مقدار نظری = 3,1						
مؤلفه‌ها	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اختلاف میانگین	95 درصد فاصله اطمینان
						پایین تر بالاتر
قلمرو	3/49	23/714	377	0/000	0/489	0/45 -0/53
نظارت	2/80	-9/211	377	0/000	-0/204	-0/25 -0/16
کنترل و دسترسی	2/39	-22/27	377	0/000	-0/615	-0/67 -0/56
مدیریت و نگهداری	3/40	13/62	377	0/000	0/399	0/34 0/46
حمایت از فعالیت‌های اجتماعی	2/43	-19/182	377	0/000	-0/572	-0/63 -0/51
کل	2/90	-7/378	377	0/000	-0/104	-0/13 -0/08

منبع: یافته‌های تحقیق، 1397.

توزیع فضایی مؤلفه‌های طراحی محیطی

در ادامه برای بررسی تفاوت میان روستاهای مورد مطالعه از لحاظ طراحی محیطی از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (آنووا) استفاده شد. مقدار sig به‌دست‌آمده برای این آزمون که نزدیک به صفر است، نشان‌دهنده وجود تفاوت بین روستاهای مورد مطالعه در سطح اطمینان (99) درصد است.

همان‌طور که در جدول شماره (6) نشان داده شده است؛ برای بررسی تفاوت‌های میان روستاهای مورد مطالعه از لحاظ طراحی محیطی از آزمون دانکن استفاده شد. نتایج آزمون دانکن بیانگر آن است که روستاهای مورد مطالعه در (4) سطح قرار دارند. در سطح (1) روستاهای حصارسانی، اسکمان، قجرآباد و سقرچین به ترتیب با میانگین

(2/60)، (2/64)، (2/64) و (2/65) قرار گرفته‌اند که میانگین‌ها بیانگر نامطلوب‌ترین سطح طراحی محیطی برای آن‌هاست. در سطح (2) روستاهای رضی‌آباد بالا و کردامیر با میانگین (2/84) قرار گرفته‌اند. در سطح (3) روستاهای ابراهیم‌آباد، دهشادبالا و رزکان به ترتیب با میانگین (2/87)، (2/87) و (2/88) قرار دارند و در نهایت، در سطح (4) روستاهای یوسف‌آباد صیروفی، اصیل‌آباد، کردزار، دینارآباد، سعیدآباد، رضی‌آباد پایین، فرارت، یبارک و بکه به ترتیب با میانگین (2/90)، (2/91)، (2/91)، (2/92)، (2/92)، (2/93)، (2/97)، (3/0) و (3/08) در مطلوب‌ترین سطح از لحاظ طراحی محیطی نسبت به سایر روستاها قرار دارند.

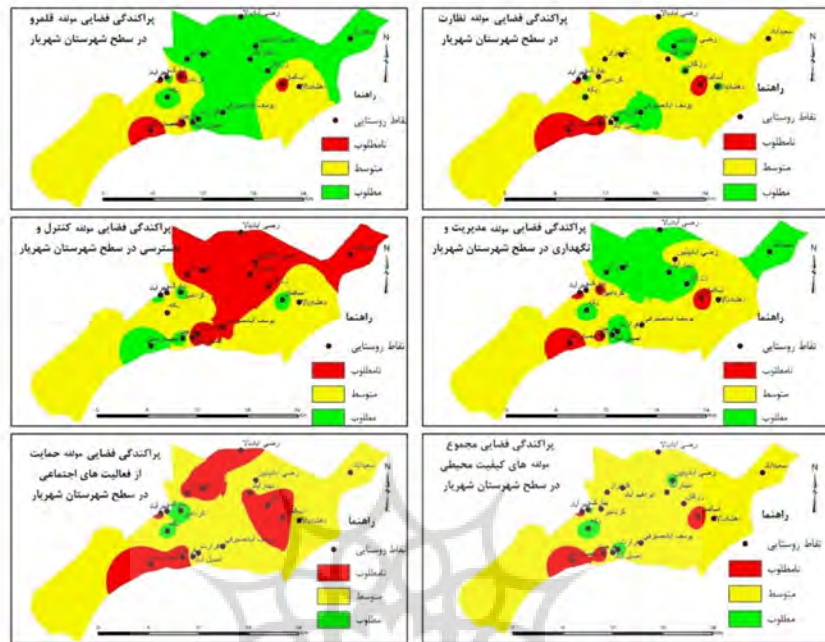
جدول شماره (6). سطح‌بندی روستاها از لحاظ مؤلفه‌های طراحی محیطی با استفاده از آزمون دانکن.

روستا	سطح 1	سطح 2	سطح 3	سطح 4
حصارساتی	2/60			
اسکمان	2/64			
قجرآباد	2/64			
سقرچین	2/65			
رضی‌آباد بالا		2/84		
کردامیر		2/84		
ابراهیم‌آباد			2/87	
دهشادبالا			2/87	
رزکان			2/87	
یوسف‌آباد صیروفی				2/9
اصیل‌آباد				2/91
کردزار				2/91
دینارآباد				2/92
سعیدآباد				2/92
رضی‌آباد پایین				2/93
فرارت				2/97
یبارک				0/30
بکه				3/08

منبع: یافته‌های پژوهش، 1397.

در ادامه برای ارزیابی وضعیت کلی طراحی محیطی در سطح شهرستان شهریار با استفاده از روش درون‌یابی آی دی دلبلیو¹ به تحلیل فضایی وضعیت مؤلفه‌های طراحی محیطی پرداخته شد. در این روش با توجه به مقادیر معلوم که (18) روستای مورد مطالعه است، وضعیت سایر نقاط که داده‌ها برای آن‌ها در دسترس نبوده است، برآورد شده است و در نهایت وضعیت کلی طراحی محیطی در پهنه فضایی شهرستان شهریار پیش‌بینی شده است. همان‌طور که در شکل شماره (3) نمایش داده شده است، پراکندگی فضایی هر کدام از مؤلفه‌های مورد بررسی و پراکندگی فضایی مجموع مؤلفه‌های طراحی محیطی در سطح شهرستان شهریار تعیین شده است. به‌طوری‌که، وضعیت کلی طراحی محیطی در شهرستان شهریار به‌طور عمده، در بازه متوسط و نامطلوب قرار دارد که با رنگ زرد و قرمز نمایش داده شده است. همچنین در بین روستاهای مورد مطالعه روستای بکه، فرارت، یبارک و رضی‌آباد پایین در وضعیت مطلوب قرار دارند که در یک پهنه فضایی کوچک با رنگ سبز پر رنگ قابل‌نمایش هستند و بعدازآن یک پهنه فضایی که بخش عمده شهرستان را شامل می‌شود و نشان‌دهنده وضعیت متوسط طراحی محیطی است و چند روستا نیز در پهنه فضایی نامطلوب از لحاظ طراحی محیطی قرار دارند که با رنگ قرمز نمایش داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



شکل شماره (3). پراکنش فضایی مؤلفه‌های طراحی محیطی در سطح شهرستان شهریار.

نتیجه‌گیری

پدیده جرم و ناامنی یکی از مهم‌ترین مسائل در نواحی روستایی است. سالانه هزاران تن، قربانی خشونت‌های پیدا و پنهان می‌شوند. تهدیدهای ناشی از احساس ناامنی به وسیله اقشار مختلف در بسیاری از فضاهای کشور ما امری انکارناپذیر است. بدون تردید رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای متناسب با به‌کارگیری توانایی‌های موجود در آن جامعه است. یکی از راه‌های تحقق پیشرفت، تأمین بستر کالبدی مناسب و ایمن برای حضور فعال و ایجاد فرصت برای اقشار مختلف مردم در روستا در جابجایی و استفاده از فضاهای روستایی است. پژوهشگران عرصه آسیب‌شناسی اجتماعی و برنامه‌ریزان، وجود بستر فضایی مناسب برای جرم را یکی از دلایل وقوع جرم بر شمرده‌اند. طراحی نامناسب محیط، کوچه‌های کم‌رفت‌وآمد و خانه‌های خالی مسکونی، فرصت مناسبی را برای بزهکاری فراهم می‌کند. تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیات رفتاری، در کنار عامل زمان، توزیع فضایی نابرابر جرائم را در پی دارد و همین امر موجب می‌شود تا

ناهنجاری‌های اجتماعی در واحد مکان، به‌طور یکسان پراکنده نباشند. با تغییر ساختار و عناصر تشکیل دهنده فضا اعم از نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی، طراحی مناسب ساختمان‌ها و احیاء و ساماندهی بافت باارزش و خانه‌ها و مسکن مخروبه، طراحی مناسب و مهندسی و ابزارهای فناوری نوین می‌توان از وقوع بزهکاری پیشگیری کرد. به عبارتی می‌توان گفت با شناخت مؤلفه‌های طراحی محیطی و استفاده مناسب از آن‌ها می‌توان اقدام به طراحی و ایجاد یک محیط امن و مطلوب کرد. نواحی روستایی شهرستان شهریار نیز به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و کارکردی و شرایط خاص کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر آن، با نرخ بالای جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه است؛ بنابراین مطالعه و شناخت وضعیت مؤلفه‌های طراحی محیطی برای اعمال سیاست‌های پیشگیرانه از ناهنجاری‌ها در این شهرستان از اهمیت فراوانی برخوردار است. در همین راستا یکی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح‌شده در این زمینه نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی «CPTED» است و بر ارزیابی و پالایش پنج راهبرد؛ قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل و دسترسی، مدیریت و نگهداری و پشتیبانی از فعالیت‌های اجتماعی متکی است که این پژوهش با محوریت آن صورت پذیرفته است. این پژوهش با بهره‌گیری از (5) مؤلفه کلی به ارزیابی طراحی محیطی پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد دو مؤلفه «قلمرو» و «مدیریت و نگهداری» با میانگین (3/49) و (3/40) در وضعیت مطلوب قرار دارند که این مطلوبیت در افزایش طراحی محیطی و امنیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این رابطه عنابستانی و جوانشیری (1396)، عبدلی و همکاران (1393)، زنگی‌آبادی و زنگنه (1390) نیز به نتایج مشابهی در مورد اهمیت مؤلفه‌های مرتبط با «قلمرو» و «مدیریت محیطی» در ارتقاء کیفیت محیط و افزایش احساس امنیت دست‌یافته‌اند؛ و سه مؤلفه «نظارت»، «کنترل و دسترسی»، «حمایت از فعالیت‌های اجتماعی» در وضعیت نامطلوب قرار دارند و میانگین کلی مؤلفه‌های برابر (2/90) است که نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب طراحی محیطی در بین روستاهای مورد مطالعه است و وضعیت نامطلوب سه مؤلفه مذکور باعث شده است تا در نهایت وضعیت کلی طراحی محیطی روستاهای شهرستان شهریار از وضعیت مناسبی برخوردار نباشد. نتایج نشان‌دهنده اهمیت بالای «نظارت»، «کنترل و دسترسی» و «توجه به فعالیت‌های اجتماعی» در ایجاد محیط

ایمن و با کیفیت است. در این رابطه لیتل و همکاران (2005)، ایزدی و حقی (1394)، مؤیدی و همکاران (1392) نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند. همچنین نتایج بررسی تفاوت‌های میان روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد روستاهای مورد مطالعه در چهار سطح دسته‌بندی شده‌اند. در سطح (1) که نشان‌دهنده نامطلوب‌ترین وضعیت است روستاهای حصارسانی، اسکمان، قجرآباد و سقرچین، در سطح (2) روستاهای رضی‌آباد بالا و کردامیر، در سطح (3) روستاهای ابراهیم‌آباد، دهشادبالا و رزکان و در سطح (4) که بیانگر مطلوب‌ترین سطح نسبت به سایر سطوح است یوسف‌آباد صیروفی، اصل‌آباد، کردزار، دینارآباد، سعیدآباد، رضی‌آباد پایین، فرارت، یبارک و بکه قرار دارند؛ در این بین، تنها روستای بکه به میانگین (3/08) بالاتر از میانگین حد متوسط؛ به عبارتی دارای وضعیت مطلوب بوده و سایر روستاها دارای میانگین کمتر از حد متوسط (میانگین 3) هستند و وضعیت کلی آن‌ها نامطلوب برآورد شده است. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که طراحی محیطی دارای مؤلفه‌ها و معیارهای مختلفی است که رسیدن به مطلوب‌ترین حالت آن نیازمند همسویی و یکپارچگی تمامی مؤلفه‌های طراحی محیطی است؛ بنابراین با نگاه تک‌بعدی به این فرآیند نمی‌توان انتظار حاصل شدن نتایج مناسب و دلخواه را داشت، بلکه نیازمند نگاه همه‌جانبه و توجه به تمامی مؤلفه‌های طراحی محیطی در راستای دستیابی به محیط ایمن است.

پیشنهادها

در راستای اهداف و پرسش‌های پژوهش و با توجه به شرایط محیطی-کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی وضع موجود ناحیه مورد مطالعه و با توجه به دیدگاه موردنظر و راهبردهایی که مدنظر است، پیشنهادهایی در سطح کلان و خرد ارائه شده است. چراکه متولیان امور مرتبط با روستاها و خط‌مشی‌گذاران، برنامه‌ریزان و طراحان روستایی قادر به ریشه‌کن کردن جرم نمی‌باشند؛ بلکه آنان قادرند از طریق طراحی مناسب محیطی، بهبود وضعیت اقتصادی، ارتقاء وضعیت اجتماعی- فرهنگی روستاها، ارتکاب به جرم را به حداقل برسانند؛ بنابراین پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- برگزاری مجالس و مراسم‌های مختلف در سطح روستا برای رفع مسائل روستا و افزایش احساس همبستگی در محدوده روستا به‌ویژه در روستاهای اسکمان،

- قجراآباد، کردامیر، سقرچین و حصارساتی که از لحاظ شاخص «قلمرو» در وضعیت نامطلوب قرار دارند؛
- ایجاد فضاهای عمومی و پاتوق‌های محلی در سطح روستاها برای تعاملات بیشتر مردم و ایجاد فضاهایی برای گذاران اوقات فراغت گروه‌های مختلف سنی و جنسی در راستای حضور پیوسته و متنوع افراد در مکان‌های مختلف و افزایش نظارت عمومی در فضای روستا؛
 - افزایش اختلاط کاربری‌ها (فروشگاه‌ها، کتابخانه، کاربری‌های ورزشی، مذهبی، ...) در راستای افزایش فعالیت‌های اجتماعی در سطح روستا؛
 - ساماندهی فضاهای متروکه، کاربری‌های غیرفعال و رهاشده و ساختمان‌های مخروبه در سطح روستا برای بهبود وضعیت «مدیریت و نگهداری» در محیط روستاهایی که از لحاظ مؤلفه مدیریت و نگهداری در وضعیت نامطلوبی قرار دارند؛
 - تهیه نقشه مکان‌های ناامن روستایی در جهت بهبود «کنترل و دسترسی» به‌ویژه در روستاهای شمالی، شمال‌غرب و برخی روستاهای واقع در مرکز شهرستان شهریار که از لحاظ کنترل و دسترسی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند.

منابع

- ادیبی سعدی‌نژاد، فاطمه؛ عظیمی، آزاده (1390). تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی. نشریه آمایش محیط، دوره (4)، شماره (15).
- افضل، رسول؛ ظهیری میرآبادی، ساناز؛ بذلی، سکینه؛ عیوضلو، داوود (1392). بررسی ابعاد حقوقی قوانین امنیت شهری و عملکرد مسئولان در ساماندهی معضلات امنیتی شهروندان (مطالعه موردی: منطقه 13 شهر تهران). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره (45)، شماره (3)، ص 39-54.
- الماسی فر، نینا؛ انصاری، مجتبی (1389). بررسی امنیت محیطی در پارک‌های منطقه‌ای به‌عنوان بخشی از فضای شهری از دیدگاه زنان بر پایه رویکرد CPTED (مطالعه موردی: پارک ساعی). فصلنامه مدیریت شهری، شماره (25).
- ایزدی، محمدسعید؛ حقی، محمدرضا (1394). ارتقاء احساس امنیت در فضاهای عمومی با بهره‌گیری از طراحی شهری (نمونه مطالعه: میدان امام شهر همدان). نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره (20)، شماره (2)، ص 5-12.
- پورجعفر، محمدرضا؛ محمودی‌نژاد، هادی؛ رفیعیان، مجتبی؛ انصاری، مجتبی (1387). ارتقاء امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تأکید بر رویکرد CPTED. جلد (19)، شماره (6). تهران: علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران.
- جعفریان، محمدحسن (1386). تقریرات درسی جغرافیای جرم. پایان‌نامه دوره کارشناسی‌ارشد. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- حافظنیا، محمدرضا (1387). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- رضوانی، محمدرضا؛ زارع، زهره؛ فرهادی، صامت؛ نیک‌سیرت، مسعود (1390). جغرافیای جرم در نواحی روستایی با تأکید بر سرقت دام در بخش چهاردولی شهرستان قروه. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال (6)، شماره (1)، ص 38-62.
- زنگی‌آبادی، علی؛ زنگنه، مهدی (1390). سنجش احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهرهای کوچک و مرزی (مطالعه موردی: شهر خواف). فصلنامه دانش انتظامی، دوره (13)، شماره (1)، ص 41-65.
- سجادیان، ناهید؛ شجاعیان، علی؛ کشتکار، لیلا (1394). واکاوی شاخص‌های منتخب محیطی- کالبدی مؤثر در وقوع جرم با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (نمونه موردی: محدوده کلاتری 15 شهر اهواز). برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره (19)، شماره (4)، ص 93-122.

- شاهپوندی، احمد؛ ریسی‌دانا، رضا (1388). تحلیلی بر توزیع فضایی جرائم در مناطق شهر اصفهان. فصلنامه دانش انتظامی: دوره (11)، شماره (4)، مسلسل (45)، ص (153-182). اصفهان: دفتر تحقیقات کاربردی ناجا.
- شرفی، مرجان (1395). نقش ویژگی‌های کالبدی بر کاهش میزان جرم‌خیزی در مناطق روستایی (مورد مطالعه: روستاهای پیرامون کلان‌شهر اهواز). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- صادقی، یدالله؛ مشکینی، ابوالفضل؛ کلانتری، محسن؛ کارگر، بهمن؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (1393). فرا تحلیل مطالعات پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) در داخل، فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال (6)، شماره (2).
- عبدلی، اصغر؛ محمدی، جمال؛ ابراهیمی، رضا (1393). تحلیلی بر میزان احساس امنیت اجتماعی گردشگران شهری (مورد مطالعه: گردشگران داخلی شهر اصفهان). جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال (18)، شماره (50)، ص (235-257).
- عنابستانی، علی‌اکبر؛ جوانشیری، مهدی (1396). تأثیر پراکنده روی بر احساس امنیت کالبدی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بینالود). برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، سال (2)، شماره (3)، ص (37-62).
- قلیچ، مرتضی؛ عماری، حسن (1392). درآمدی بر فضا فضاهای بی‌دفاع شهری. تهران: انتشارت نیسا.
- کلانتری، محسن (1380). بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران. پایان‌نامه مقطع دکتری، استاد راهنما: محمدتقی رهنمائی. تهران: دانشگاه تهران.
- کلانتری، محسن؛ آیت، آیت‌الله (1386). اثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن، مطالعه: (مورد تأثیر تاریکی، روشنایی، خلوتی و شلوغی، محیط در نوع و میزان) جرائم ارتكابی در شهر تهران. فصلنامه مطالعه پیشگیری از جرم، سال (2)، شماره (5).
- کلانتری، محسن؛ جباری، محمدکاظم (1392). آسیب‌شناسی کالبدی حوزه‌های تمرکز بزهکاری در محدوده منطقه 19 شهر تهران (مورد مطالعه: جرائم مربوط به سرقت به عنف و موادمخدر). فصلنامه جغرافیا، دوره جدید، سال (11)، شماره (36).
- کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه؛ یغمایی، بامشاد (1389). بررسی جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز شهر زنجان، مطالعه موردی جرائم مرتبط با موادمخدر. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره (74)، ص (41-59).

- کلانتری، محسن؛ قصری، محمد؛ جباری، محمدکاظم؛ قزلباش، سمیه (1392). بررسی جغرافیایی جرائم در بخش مرکزی شهرها مورد مطالعه: بزه قاچاق و سوء مصرف موادمخدر در بخش مرکزی شهر تهران. تحقیقات جغرافیایی، شماره (109)، ص (13-32).
- مرصوصی، نفیسه؛ صفرعلی زاده، اسماعیل؛ حسین زاده، رباب (1393). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرائم شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر اصفهان). پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره (5)، شماره (10)، ص (111-124).
- مرکز آمار ایران (1395). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مؤیدی، محمد؛ علی‌نژاد، منوچهر؛ نوایی، حسین (1392). بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقاء سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه مورد مطالعه، محله اوین تهران). فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره (35)، ص (159-191).
- نصیری، اسماعیل؛ گلمهر، احسان؛ رحمانی، محمدحسین (1393). تحلیل فضایی جرم و مکان‌های جرم‌خیز، مورد مطالعه: بزه سرقت در شهر قزوین. جغرافیا، دوره (12)، شماره (43)، ص (157-176).
- Alston, M., & Kent, J. (2009). Generation X-pendable: The social exclusion of rural and remote young people. *Journal of Sociology*, 45(1), 89-107.
- Anastasia, L. S., & John, E. E. (2007). Crime prevention and active living. *American Journal of health promotion*, 21(4), 380-389.
- Anderson, K.M., McCall, M., (2005). *Farm Crime in Australia*. Australian Institute of Criminology, Canberra.
- Angel, S. (1968). *Discouraging crime through city planning*. Institute of Urban and Regional Development, University of California.
- Austin, D. M., Furr, L. A., & Spine, M. (2002). The effects of neighborhood conditions on perceptions of safety. *Journal of criminal justice*, 30(5), 417-427.
- Blakely, E. J., & Snyder, M. G. (1997). *Fortress America: Gated Communities in the United States*. Washington DC and Cambridge, MA: Brookings Institution Press and Lincoln Institute of Land Policy.
- Ceccato, V., & Dolmen, L. (2011). Crime in rural Sweden. *Applied Geography*, 31(1), 119-135.
- Cozens, P. (2008). Crime prevention through environmental design in Western Australia: planning for sustainable urban futures. *International Journal of Sustainable Development and Planning*, 3(3), 272-292.
- Cozens, P. M., Saville, G., & Hillier, D. (2005). Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography. *Property management*, 23(5), 328-356.

- Cozens, Paul (2004) Urban Sustainability and Crime Prevention through environmental design(CPTED) in Western Australia. Conference paper presented at the 175th.
- Feins, J. D., Epstein, J. C., & Widom, R. (1997). Solving Crime Problems in Residential Neighbourhoods: Comprehensive Changes in Design, Management and Use, report prepared for the USA Department of Justice: Newark.
- Gleditsch, K. S., Ward, M. D., & Kristian, S. (2007). An Introduction to Spatial Regression Models in the Social Sciences. Duke University.
- Hashim, N. H. M., Thani, S. K. S. O., Jamaludin, M. A., & Yatim, N. M. (2016). A perceptual study on the influence of vegetation design towards women's safety in public park. *Procedia Soc. Behav. Sci.*, 234, 280-288.
- Hogg, R., & Carrington, K. (2006). Policing the rural crisis. Federation Press.Sydney.
- Kelling, George L.; Wilson, James Q. Broken windows: the police and neighborhood safety. *Atlantic Monthly*. 1982 Mar; 249(3):29-38.
- Kothari, CR. (2009), *Research Methodology, Method and Techniques* (Second Revised Edition). New Age International publishers. New Delhi, pp. 1-401.
- Lawrence E. Cohen and Marcus Felson, Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach, *American Sociological Review*, Vol. 44, No. 4 (Aug., 1979), pp. 588-608.
- Liebermann, S., & Kruger, T. (2004). Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED). Paper presented at the 4th International Conference on Crime Prevention Environmental Design.
- Lithopoulos, S., & Ruddell, R. (2011). Policing isolated Aboriginal communities: perspectives of Canadian officers. *Policing: An international journal of police strategies & management*, 34(3), 434-453.
- Little, J., Panelli, R., & Kraack, A. (2005). Women's fear of crime: A rural perspective. *Journal of Rural Studies*, 21(2), 151-163.
- Marsden, T. K., Murdoch, J., Lowe, P., & Ward, N. (2012). *The differentiated countryside*. Routledge.
- Marshall, B., & Johnson, S. (2005). Crime in rural areas: A review of the literature for the rural evidence research centre. Jill Dando Institutes Rural Crimes Review. 57pp.
- McCauley, L., Opie, A. (2006): Research about the use of Crime Prevention Through Environmental Design(CPTED) by Local Authorities in New Zealand.
- Merry, S. E. (1981). Defensible space undefended: Social factors in crime control through environmental design. *Urban affairs quarterly*, 16(4), 397-422.
- MetLife Foundation, (2008).www.policefuturists.org. Retrieved April 27, 2011, from Police Futurists International:www.policefuturists.org/pdf/LISC_SafeGrowth_final.pdf.

- Park, M., & Stokowski, P. A. (2009). Social disruption theory and crime in rural communities: Comparisons across three levels of tourism growth. *Tourism Management*, 30(6), 905-915.
- Petrella, Laura, (2004), *Urban Space and Security Policies; Between Inclusion and Privitilization*, UN Haabitat; WUF, Barcelona, Spain.
- Rephann, T. J. (1999). Links between rural development and crime. *Papers in Regional Science*, 78(4), 365-386.
- Ruddell, R. (2014). *Rural Policing*. de Sitter Publications, Whitby, Canada.
- Saltzman, K., Head, L., Stenseke, M., (2011). Do cows belong in nature? The cultural basis of agriculture in Sweden and Australia. *J. Rural Stud.* 27, 540.
- Saville, G., & Cleveland, G. (1997). 2nd Generation CPTED: An Anitidote to the Social Y2K Virus of Urban Design.
- Saville, G., & Cleveland, G. (2003). An introduction to 2nd Generation CPTED: Part 1. CPTED perspectives, 6(1), 7-9.
- Somerville, Peter, Smith, Robert, McElwee, Gerard, (2015). The dark side of the rural idyll: Stories of illegal/illicit economic activity in the UK countryside, *Journal of Rural Studies*, 39,219-228.
- Tseng, C. H., Duane, J., & Hadipriono, F. (2004). Performance of campus parking garages in preventing crime. *Journal of Performance of Constructed Facilities*, 18(1), 21-28.
- Weisheit, R. A., & Donnermeyer, J. F. (2000). Change and Continuity in Crime. *Criminal Justice* 2000, 1.
- Widom,C,S (1989). Child abuse,neglect, and adult behavior: research design and findings on criminality,violence,and child abuse,American Jornal Of ourthopsychiatry, 59355-367.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني